

## قسمت دوم

### فوائد و نتایج اجرای پیشنهاد علی(ع) در وضع خراج

پس از این تصمیم مهم، سازمان و تشکیلات زمین ها را برهم زدند و زمین های کشاورزی قطعه قطعه نشد و کشاورزان نیز بدون هیچ گونه نگرانی به کار خود مشغول شدند و مجاهدان نیز به جهاد خود ادامه دادند. اجرای پیشنهاد علی(ع) فوائد مهمی به دنبال داشت، که در ذیل به آن ها اشاره می شود .

1. اولین نتیجه مهم آن، جلوگیری از برده شدن کشاورزان در ایران و روم شد و این امر باعث گردید تا جلو فاجعه‌ی انسانی وسیعی که تجارت برده بود گرفته شود و کشاورزان زمین نیز به کار خود بپردازند و مسلمانان از منبع درآمد خراج بهره ببرند .  
2. گرفتن خراج و آزاد گذاشتن کشاورزان باعث خوشنودی مردم سرزمین های فتح شده گردید. این رفتار پسندیده‌ی مسلمانان، در گسترش اسلام و شکستهای بعدی سپاه ایران نقش اساسی داشت. نوشته‌اند، وقتی کشاورزان ایرانی مطلع شدند که قرار است تقسیم شوند، رؤسای آنها به سرپرستی ابن رفیل نزد خلیفه آمدند و به خلیفه گفتند: ما قومی از مردم عراق هستیم که در گذشته مردم فارس بر ما پیروز شدند و به ما ضرر رساندند و هرگونه خواستند عمل کردند حتی زن های ما از آزار آنها در امان نبودند. پس هنگامی که خبر شما را شنیدیم به خاطر شما شادمان شدیم و باعث شگفتی ما شد. از این رو، ما شما را از چیزی باز نداشتیم تا این که آنها را از سرزمین ما بیرون رانید.

" فبلغنا آنکم تریدون ان تسترقونا"؛ پس به ما خبر رسید که می‌خواهید ما را به بردگی بگیرید و به خاطر آن نگران شده و اینجا آمدیم. خلیفه گفت: "فألان إن شئتم فالاسلام و إن شئتم فالجزیه، فاختارو الجزیه"؛ ۳۸ پس اکنون اگر بخواهید اسلام بیاورید و اگر خواستید جزیه دهید، پس آنان جزیه را انتخاب کردند. حتی عمر زمین های ابن رفیل را که به سعد بن زید داده بود به او بازگرداند. ۳۹ این گزارش نشان می‌دهد که نگرانی کشاورزان جدی بوده و هدف اولیه به بردگی گرفتن کشاورزان بوده است. آنان از حضور مسلمانان بسیاری خوشحال شدند و در واقع استقبال کردند و چون امید گذشت داشتند، به مرکز خلافت آمدند، اما وقتی آنان به مدینه رسیدند که خلیفه تصمیم جدیدی راجع به اراضی فتح شده و مردم آن گرفته بود. از این رو، تصمیم جدید خود را با تعبیر "فألان" ذکر می‌کند، یعنی آنچه شنیدید رها کنید و این گونه عمل نمایید. یا اسلام، یا جزیه و اکنون سخنی از استرقاق و بردگی نیست.

3. تشکیل دیوان برای تقسیم بیت المال، یکی دیگر از فوائد طرح دریافت خراج بود. طبری و دیگران تشکیل دیوان را در سال ۲۰ هجری دانسته‌اند. ۴۰ تشکیلات دیوان را در مناطق ایران برابر با محاسبات ایرانیان و در شامات برابر با تشکیلات رومیان دانسته‌اند و این وضعیت ادامه داشت تا این که در زمان عبد الملک مروان به عربی منتقل شد. ۴۱ دولت اسلامی، هم برای دریافت خراج و هم برای پرداخت آن به مسلمانان، نیاز به دفاتر مالی داشت، که آغاز تدوین دیوان ها با نام نزدیکان پیامبر، همسران حضرت و افرادی، مانند حسن، حسین، عباس و علی(ع) ۴۲ نیز حکایت از خوشنودی خلیفه از طرح علی بن ابی طالب (ع) دارد و نشان می‌دهد که وی با دید مخالف در این مقطع به خاندان پیامبر(ص) نمی‌نگریسته، بلکه خوشحالی خود را از این طرح با ثبت نام خاندان پیامبر(ص) نشان داده است .

4. نکته مهم دیگری که پس از این حادثه رخ داد و مورخان به آن کمتر پرداخته‌اند، این بود که دستگاه خلافت نسبت به خاندان پیامبر(ص) رفتار خود را عوض کرد و به نظر می‌رسد که نوعی توافق ما بین امام علی(ع) و خلیفه برای همکاری به وجود آمد. خلیفه از علی(ع) برای اجرای طرح و پیشنهادش کمک خواست. علی (ع) نیز از یاران و شیعیان خود خواست تا خلیفه را در اجرای این طرح مهم و اساسی یاری نمایند. به این توافق تصریح نشده، اما وقایع نشان می‌دهد که عمر محدودیت هایی را که به بهانه‌ی حفظ صحابه برای آنها وضع کرده بود - که نباید از مدینه خارج شوند ۴۳- برداشته و اطمینان یافت که یاران علی(ع) در شهرهای دیگر به ذکر فضائل علی(ع) نخواهند پرداخت. پس از طرح این پیشنهاد است که خلیفه، گروه جدیدی را که تماماً از طرفداران علی بن ابی طالب (ع) بودند، برای اداره‌ی سرزمین کوفه اعزام می‌کند و از آنان می‌خواهد تا طرح علی(ع) را به طور کامل اجرا نمایند. عمار یاسر به عنوان حاکم کوفه و پیشنماز شهر و فرمانده سپاه، عبد الله بن مسعود به عنوان قاضی و مسؤول بیت المال، عثمان بن حنیف به عنوان مساحتگر زمین های عراق به آن منطقه اعزام می‌شوند. خلیفه برای آنها در هر روز يك گوسفند قرار می‌دهد، که نصف آن همراه با سواقت آن برای عمار و نصف دیگر آن برای عبدالله بن مسعود و عثمان بن حنیف باشد. ۴۴ فرزند حنیف تمام عراق را مساحت بندی می‌کند و کل مساحت زمین های آباد به ۳۶ میلیون جریب می‌رسد، که بر هر جریبی يك درهم و قفیزی خراج وضع می‌کند ۴۵ و بر سرها هم جزیه وضع می‌کند، که قبلاً اشاره شد. اعزام این گروه و تعیین سلمان به عنوان استاندار مداین همه حکایت از این همکاری دارد. سلمان این مسؤولیت را با اجازه‌ی علی(ع) پذیرفت. ۴۶  
5. پس از این جریان، خلیفه در مسائل سیاسی با امام علی(ع) مشورت می‌کرد و از نظرات صائب وی بهره‌مند می‌شد از آن

جمله هنگامی بود که خلیفه تصمیم داشت تا برای جنگ با ایرانیان که حمله قریب الوقوع آنها را عمار یاسر حاکم کوفه به وی گزارش کرده بود ۴۷، شخصاً شرکت کند، علی(ع) او را از حضور در منطقه جنگی بازداشت و توصیه کرد که در مرکز خلافت بماند و نیرو به منطقه‌ی جنگی اعزام کند و به هیچ وجه منطقه شام و یمن را از نیرو خالی نکند، چون امکان حمله‌ی رومیان وجود دارد. ۴۸. این توافق و همدلی منجر به پیروزی مسلمانان در نهاوند شد که به نام "فتوح الفتوح" شهرت یافت.

6. از ثمرات این همکاری این بود که خلیفه دوم علی بن ابی طالب را از اعضای شورای خلافت قرار داد. با این که در گذشته مدعی بود که خلافت و امامت در يك خاندان جمع نمی‌شود، اما متوجه شد که گوشه نشینی علی(ع) و کنارگیری او از مسائل سیاسی به ضرر جامعه‌ی اسلامی تمام می‌شود، از این روی، با کاندیدا کردن علی(ع) هم خواست گذشته را جبران کند و هم این که شورا را به گونه‌ای انتخاب کرد، که علی(ع) انتخاب نشود، ولی منزوی هم نگردد.

2. اعتراض به قتل هرمان  
عمر بن خطاب، خلیفه دوم به دست ابولؤلؤ ضربت خورد و مرد. ابولؤلؤ در هنگام فرار دستگیر و توسط عبدالله بن عوف کشته شد. عبیدالله بن عمر به بهانه این که کاردی که خلیفه با آن کشته شده در روز گذشته در دست جفینه و هرمان دیده شده و در واقع با؛ توطئه‌ی قبلی خلیفه کشته شده، هرمان را کشت و سپس جفینه را که گفته می‌شود نصرانی بود به قتل رساند، آن گاه دختر خردسال ابولؤلؤ را هم به قتل رساند. وی تصمیم داشت تمام زنان و بچه‌های اسیر را که در مدینه بودند بکشد، که مردم مانع کار او شدند. کشتن هرمان مورد اعتراض مهاجران و علی(ع) قرار گرفت؛ ۴۹ زیرا هرمان که فرماندهی سپاه شوشتر بود، اسیر و به مدینه آورده شد ۵۰ و در آن شهر مسلمان شد و عمر دو هزار درهم برای وی حقوق تعیین کرد. ۵۱ برابر مقررات اسلامی، خون مسلمان حرمت دارد، گرچه تازه به اسلام به پیوند. البته جرمی هم برای وی اثبات نشده بود.

علی(ع) جریان کشتن هرمان را پی‌گیری کرد و با عثمان، خلیفه جدید در این باره گفت و گو نمود و از وی خواست تا وی را به جرم کشتن فرماندهی مسلمان قصاص نماید. عثمان گفت: دیروز پدرش را کشتند و امروز من او را بکشم و لذا حاضر به قصاص نشدم. عبیدالله که به علی(ع) برخورد کرد، امام علی(ع) به وی فرمود: "ای فاسق به خدا سوگند اگر روزی به تو دست یابم گردنت را می‌زنم" از این رو، در زمان خلافت علی(ع) (به معاویه ملحق شد. عثمان او را به کوفه فرستاد و خانه و زمینی در اختیار وی قرار داد، که به آن "کویفه ابن عمر" می‌گفتند. و از مجازات قصاص در امان ماند. ۵۲

اعتراض علی(ع) به عثمان نشان می‌دهد که وی به شدت پایبند اصول و مراعات حقوق مسلمین بوده است و از این جهت برای وی تفاوت نمی‌کند، که متهم فرزند خلیفه باشد یا شخص دیگر و صاحب حق، مسلمان یا سابقه باشد یا تازه مسلمان، زیرا همه در برابر قانون الهی یکسان هستند. از نظر علی(ع) اجرای حکم الهی و احقاق حق، مشمول قانون مرور زمان نمی‌شود؛ زیرا حق قدیم را هیچ چیز باطل نمی‌نماید. ۵۲ در دوران خلافت خود آن حضرت بعد از چهارده سال، زمانی که عبیدالله در اردوگاه علی(ع) نزد وی رفت به عبیدالله اعتراض کرد و فرمود:

" تو هرمان را که به دست عمویم عباس مسلمان شده بود و پدرت هم برای او مقرری تعیین کرده بود کشتی و اکنون امیدواری که از من به سلامت مانی" ۵۳.

و این گونه علی(ع) از حقوق ایرانی تازه مسلمان دفاع کرد و بر حق وی اصرار ورزید.

رفتار امام با ایرانیان در دوران خلافت  
بسیاری از افراد، زمانی که به قدرت دسترسی ندارند، دم از عدالت و اخلاق پسندیده می‌زنند، ولی زمانی که به قدرت می‌رسند، تبدیل به انسانی مستبد، بدکردار و بد اخلاق می‌شوند و همه‌ی ارزش‌هایی را که از آن سخن گفته و بر آن تکیه می‌کردند از یاد می‌برند، اما علی بن ابی طالب (ع) چنین نبود؛ چرا که به هنگام قدرت، عدالت و رفتار خوش خود بروز کرد، به گونه‌ای که نام علی(ع) مساوی با عدالت و مبارزه با ظلم و گرفتن حق ستمدیدگان است. آن قدر در اجرای عدالت مصر بود که عده‌ای از اشراف و بزرگان در حوزه جهان اسلام عدل او را تحمل نکرده و به دشمن ستمگر وی پیوستند و لذا این روح عدالت جویانه‌ی علی(ع) را در برخورد با ایرانیان به خوبی می‌توان دریافت، که بخش عمده‌ی رفتار امام علی(ع) با ایرانیان در دوران خلافت ایشان رخ داده است؛ زیرا آن حضرت مرکز خلافت را از مدینه به کوفه منتقل کرد و کوفه منطقه‌ای ایرانی بود، گرچه توسط مسلمانان تبدیل به شهر شد، اما اطراف آن را که سواد عراق تشکیل می‌داد، عموماً ایرانیان غیر مسلمان بودند. ایرانیان از نزدیک با حاکم و خلیفه‌ی مسلمین آشنا شدند. از گزارش‌های فراوانی که نقل شده استفاده می‌شود، که تبعیض بین ایرانیان مسلمان و عرب‌های مسلمان امری پذیرفته شده برای جامعه‌ی اسلامی آن روز بوده و به ایرانیان به دید تحقیر می‌نگریسته‌اند، اما علی(ع) که مظهر عدل اسلامی است در نظر دارد، این دید غیر اسلامی را تغییر و در رفتار با مسلمانان مساوات را در نظر بگیرد. از نظر وی تقوا، ملاک برتری نزد خداست و باعث دریافت سهم بیشتری از بیت المال نمی‌شود.

بنابراین، از نظر علی(ع) تفاوتی بین مسلمان بدری و ایرانی تازه مسلمان نیست؛ زیرا همه از سهم مساوی برخوردارند. البته عمل به این دیدگاه اسلامی مخالفت‌هایی را در جامعه اسلامی در پی دارد، که خلیفه مسلمین از آن نمی‌هراسد و در نظر دارد عدالت اسلامی را در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به نمایش درآورد و رأفت اسلامی را به جامعه تازه مسلمان نشان دهد. از این رو، رفتار حضرت را در دوران خلافت در دو قسمت ارائه می‌دهیم:

الف: رفتار اجتماعی با ایرانیان  
ب: برخورد سیاسی و اقتصادی

بدیهی است که چون محور بحث، ایرانیان هستند، لذا بخشی از این گزارش‌ها مربوط به ایرانیان مسلمان و برخی در ارتباط با

ایرانیان غیر مسلمان به عنوان اقلیت مذهبی مطرح خواهد شد .

### الف: رفتار اجتماعی امام علی(ع) با ایرانیان

رفتار محترمانه و عادلانه با مردمی که تازه به جرگه‌ی جامعه اسلامی پیوسته‌اند، در تعمیق بینش اسلامی آنان نقش مهمی داشت. تازه مسلمان‌ها به این نتیجه رسیدند که این دین تبعیض‌آمیز نیست و افراد جامعه را در طبقه‌ای خاص محصور نمی‌سازد و هرکس با توجه به توان و استعدادش می‌تواند از لحاظ اجتماعی و سیاسی رشد کند . از زاویه‌ای دیگر، اقلیت‌های مذهبی در سایه‌ی حکومت اسلامی زندگی می‌کردند و حکومت خود را موظف به حفظ حقوق آنها می‌دانست، که در این جا به نمونه‌هایی از این برخورد مشفقانه اشاره می‌شود .

#### 1. دیدار با مردم اطراف کوفه

زمانی که امام علی(ع) وارد شهر کوفه شد، مردم، سران قبایل و شخصیت‌ها به دیدار وی آمده و تهنیت می‌گفتند، مردم سواد عراق (روستاهای اطراف کوفه) که غیر مسلمان بودند نیز به دیدار حضرت شتافتند. ۵۵ امام علی(ع) به آنان اجازه‌ی ملاقات داد و لذا زمانی که وارد شده و کثرت جمعیت آنان را دید، فرمود: من توان شنیدن کلام شما را (به خاطر همه‌می و کثرت جمعیت) ندارم و نمی‌توانم از حال شما آگاه شوم. پس کار خود را به کسی بسپارید که نزد شما از همه بیشتر مورد پذیرش باشد و از همه خیرخواه‌تر شما باشد. آنان نرسا را معرفی کردند و گفتند: آنچه او به آن راضی شود ما رضایت می‌دهیم و آنچه از آن ناراحت گردد ما نیز آن را نمی‌پسندیم. نرسا نزد حضرت نشست، امام فرمود: "مرا از عدد پادشاهان فارس خبر ده؟" گفت: آنها(ساسانیان) ۳۳ تن بودند، سؤال کرد: "روش حکومتی آنها چگونه بود؟" نرسا گفت: همواره روش آنها در کارهای مهم یکسان بود تا این که کسری فرزند هرمز به حکومت رسید، او مال‌ها را به خود ویژه ساخت و مستبد بود و با گذشتگان مخالفت کرد، آنچه از مردم بود ویران و آنچه از او بود آباد ساخت و مردم را کوچک شمرد. مردم فارس علیه وی شورش کرده او را کشتند. زنانش بیوه و بچه‌هایش یتیم شدند. حضرت علی(ع) فرمود:

" ای نرسا: همانا خدای عزوجل مردم را به حق آفرید و از هیچ کسی جز به حق گزاری خرسند نباشد و در سلطنت، الهی گونه‌ای یادآوری و نمود کاریست برای نوع حکومتی که در نظر دارد در زمین نیز برقرار باشد و آن این است که مملکت جز به تدبیر و انتظام نیاید و از مملکت داری و فرماندهی گریزی نباشد و تا وقتی کار ما استوار و به هم پیوسته باشد، که آیندگان از گذشتگان بدگویی نکنند؛ پس اگر آیندگان ما با پیشینیان مخالفت ورزند و فساد کنند، هم خود هلاک شوند و هم دیگران را به نابودی کشانند." ۵۶.

آن گاه امام علی(ع) کارگزاران خود را بر آنان بگماشت . بنابراین، به حضور پذیرفتن غیر مسلمان‌ها و ملاقات و گفت و گوی صمیمانه با آنها حکایت از روحیه‌ی مردم سالاری و توجه به اقبال گوناگون در جامعه، توسط امام علی(ع) دارد. شیوه‌ی گفت و گوی حضرت و سؤالات ایشان نیز در خور توجه است. این دیدار در اعتماد ایرانیان به حاکم مسلمین و طرح مشکلات خود نیز مؤثر و مفید بود .

#### 2. در مهمانی ایرانیان

امام علی(ع) به عنوان خلیفه جهان اسلام، کارگزاران خود را از رفتن به مهمانی‌های اشراف نهی می‌کرد و در این زمینه نامه مفصلی به عثمان بن حنیف نوشت و او را به خاطر شرکت در دعوتی اشراف بصره مورد سرزنش قرار داد. ۵۷ امام علی(ع) خود نیز در چنین مجالسی شرکت نمی‌کرد و غذای وی ساده بود و در مهمانی‌های بی تکلف حضور می‌یافت. زمانی یک مسلمان ایرانی به مناسبت سال جدید و عید نوروز از او دعوت به عمل آورد. امام علی(ع) در مهمانی شرکت کرد. مرد ایرانی در سر سفره برای امام علی(ع) حلوا آورد. امام علی(ع) از آن تناول کرد و از میزبان سؤال کرد: "این دعوتی به چه مناسبتی است،" پاسخ داد، به مناسبت عید نوروز است. امام(ع) به شوخی فرمود: "اگر می‌توانید هر روز را برای ما نوروز قرار دهید" ۵۸ .

شرکت در چنین دعوتی، نشانه‌ی احترام خلیفه مسلمین به ایرانیان و عدم مخالفت با آداب و رسوم و فرهنگ آنها است.

#### 3. هدیه‌ی ایرانیان

ایرانیان برابر سنت گذشته‌ی خود رسم داشتند تا در ایام نوروز و عید مهرگان به حاکمان خویش هدایایی تقدیم کنند. در دوران عثمان، حاکمان کوفه این هدایا را می‌پذیرفتند و ایرانیان را تشویق به این کار می‌کردند. این رسم در طول حکومت بنی امیه و سپس بنی عباس نیز ادامه داشت. آنان که اکنون رهبر جهان اسلام را در منطقه خود می‌دیدند و بدون تشریفات امکان دیدار با وی را داشتند، هدایای نفیسی در ایام نوروز تقدیم امام علی(ع) می‌کردند و علی(ع) نیز آن هدیه‌ها را می‌پذیرفت، ولی آن را بابت خراج آنها در نظر می‌گرفت .

مجوس یا ایرانیان غیر مسلمان در روز نوروز جامه‌هایی نقره‌ای که در آن شکر ریخته بودند تقدیم امیرالمؤمنین کردند و علی(ع) شکرها را بین یاران خود تقسیم کرد و هدیه‌ی آنها را جزو جزیه‌ی ایشان قرار داد. ۵۹

دهقانی، جامه‌ای که با طلا بافته شده بود برای حضرت آورد. امام علی(ع) آن جامه را به عمرو بن حرث به چهارهزار درهم تا زمان عطا (تقسیم بیت المال) فروخت؛ ۶۰ زیرا نمی‌توانست آن را تقسیم کند و پوشیدن لباس زربافت برای مردان در اسلام حرام است. حضرت تمام هدایای نفیس را که به وی می‌دادند، جزو بیت المال قرار می‌داد و تقسیم می‌کرد. تقدیم هدایای نفیس از جانب ایرانیان غیر مسلمان به علی(ع) (حکایت از خشنودی آنها از سیره‌ی آن حضرت دارد. زمانی که حضرت وارد شهر انبار شد و چارپایانی را به عنوان هدیه نزد حضرت آوردند و غذایی را برای سپاهیان حضرت آماده کردند به شرط پذیرش آنها را این دانست که

جزو خراج محاسبه شوند و لذا دستور داد تا قبل از استفاده از غذا قیمت آنها را مشخص کنند، ولی ایرانیان اصرار داشتند که اینها هدیه است. از این رو، علی(ع) بدون دریافت هدیه‌ها شهر انبار را ترك كرد. ۶۱  
علی(ع) بارها می‌فرمود: "این شیشه عطری که دارم هدیه‌ی یکی از دهقانان است." ۶۲ و گزارش‌هایی از هدیه‌ی لباس توسط دهقانان ایرانی به حسن و حسین (ع) رسیده است. ۶۳ به نظر می‌رسد، گردن بندی که امرکلتوم از بیت المال عاریه گرفته بود، جزو همین هدیه‌ها بوده که حضرت در بیت المال قرار داده بود.

#### 4. نهی از فرهنگ ذلت پذیری

امام علی(ع) به هنگام رفتن به شام در مسیر راه به شهر انبار رسیدند، که خدایان و بزرگان آن شهر وقتی آن حضرت را دیدند به جهت تعظیم و احترام از اسب‌ها پیاده شده و در پیش رکاب ایشان دویدند، که حضرت فرمود: این چه کاری بود که انجام دادید، گفتند: این خوی ما است که حکمرانان خود را به آن احترام می‌نماییم، حضرت به آنان فرمود:  
"سوگند به خدا حکمرانان شما در این کار سودی نمی‌برند و شما خود را در دنیاتان به رنج و در آخرتتان با این کار به بدبختی گرفتار می‌سازید و چه بسیار زیان دارد، رنجی که در پی آن کیفر باشد و چه بسیار سود دارد، آسودگی که همراه آن ایمنی از آتش باشد." ۶۴ علی(ع) شیوه‌ی استقبال ایرانیان را مورد نکوهش قرار داد و آن را ذلت آور دانست. حال سؤال این است که آیا این نهی حضرت، نهی از استقبال است یا نهی از شیوه‌ی آن تردیدی نیست که استقبال مردم از یک شخصیتی سیاسی و اجتماعی نشان‌دهنده‌ی محبوبیت وی در میان مردم است و مشکل شرعی ندارد؛ زیرا هنگام ورود پیامبر(ص) به شهر مدینه مردم با شوق فراوان به استقبال آن حضرت آمدند. زمانی که امیرمؤمنان (ع) وارد شهر کوفه شد، قاطبه‌ی مردم به استقبال حضرتش آمدند. نصرین مزاحم در این باره می‌نویسد:  
"روز دوشنبه دوازده شب گذشته از رجب سال سی و ششم، از بصره به کوفه درآمد و اشراف مردم و اهل بصره همراهش بودند، مردم کوفه همراه قراء و اشراف خود او را استقبال کردند و وی را به مبارکی دعوت نموده، گفتند: یا امیرمؤمنان، کجا فرود می‌آیی؟ آیا به کاخ وارد می‌شوی؟ فرمود: نه...؟" ۶۵.

این گزارش نشان می‌دهد که نه همراه داشتن افراد در هنگام ورود به شهری اشکال دارد؛ زیرا علی(ع) با بزرگان بصره به کوفه آمد و نه استقبال شکوهمند؛ زیرا قاریان و اشراف کوفه به استقبال حضرت آمدند و آنچه در انبار اتفاق افتاد شیوه‌ی استقبال بود، که مورد نهی حضرت قرار گرفت. جالب است بدانیم که علی(ع) در هنگام اعزام قیس بن سعد بن عباده به مصر از وی می‌خواهد که نیروهای نظامی به همراه خود ببرد، زیرا باعث ابهت می‌گردد و مخالفان از آن وحشت می‌کنند. ۶۶ این مسأله نشان می‌دهد که استقبال با شکوهی که باعث ناامیدی دشمنان گردد، از نظر امیرمؤمنان نه تنها اشکال ندارد، بلکه مؤید و مورد تشویق حضرت نیز بوده است.

#### 5. شکایت ایرانیان از رفتار مسلمانان

نگاه تحقیرآمیز به ایرانیان از نکاتی بود که تازه مسلمان‌های ایرانی را رنج می‌داد و باعث افسردگی و ناراحتی آنها می‌گردید. مسلمانان عرب از ایرانیان زن می‌گرفتند و به آنان زن نمی‌دادند. به فرموده‌ی امام صادق(ع): موالی (ایرانیان) نزد امیرمؤمنان آمدند و گفتند: "از این عرب‌ها به تو شکایت می‌کنیم. رسول خدا ما را با آنها سهم مساوی از بیت‌المال می‌داد، برای سلمان، بلال و صهیب زن گرفت، اما این‌ها این‌گونه عمل نمی‌کنند و به ما زن نمی‌دهند و می‌گویند چنین نخواهیم کرد، علی(ع) نزد آنها رفت و در این باره با آنها سخن گفت، عرب‌ها فریاد زدند: ای ابوالحسن ما این‌گونه عمل نخواهیم کرد! حضرت از جمع آنها خارج شد، در حالی که غضبناک بود و عباي خود را می‌کشاند فرمود: ای موالی، اینان شما را به منزله‌ی یهود و نصارا قرار داده از شما زن می‌گیرند و به شما زن نمی‌دهند؛ پس به تجارت بپردازید، خداوند به شما برکت دهد" ۶۷.  
این واقعه نشان‌دهنده‌ی حمایت امیرمؤمنان از ارزش‌های اسلامی است، ولی مسلمانان عرب، ارزش‌های قومی را بر ارزش‌های اسلامی ترجیح می‌دادند و سخنان علی(ع) را در این زمینه نپذیرفتند.

#### 6. دفاع از خوشرفتاری با ایرانیان

مسلمانان کوفه نه تنها به دید مثبت به ایرانیان نمی‌نگریستند، بلکه به آن حضرت اعتراض می‌کردند، که چرا با ایرانیان رفتار مهربانانه دارد، و لذا آنها به گونه‌های از این رفتار حضرت، سوء استفاده می‌کنند که گروهی از یاران عرب امام علی(ع) نزد وی آمده و می‌گویند: "این سرخ‌رویان نزد تو بر ما غلبه کردند، که حضرت می‌فرماید: "هرآینه آنان شما را به خاطر بازگشت به دین خواهند زد آن گونه که شما در آغاز با حمله به آنان آنها را مسلمان کردید" ۶۸.  
این روایت در منابع حدیثی و لغوی گوناگون شیعه و سنی نقل شده و مفصل‌تر از این آمده است، که نقل آن مفید می‌نماید. علامه مجلسی به نقل از الغارات می‌نویسد: يك روز جمعه علی(ع) بر روی منبری آجری خطبه می‌خواند، اشعث بن قیس کندی که از سرداران معروف عرب بود جلو آمد و به اعتراض گفت: این سرخ‌رویان (ایرانیان) جلو روی تو بر ما غلبه کرده‌اند و مانع آنها نمی‌شوی. علی(ع) در حالی که خشمگین بود فرمود: "امروز نشان خواهم داد که عرب چکاره است- آن گاه فرمود-: چه کسی مرا معذور می‌دارد از این شکم‌گنده‌هایی که خودشان در بستر نرم استراحت می‌کنند و آنها (ایرانیان) در هوای گرم به خاطر خدا فعالیت می‌کنند. آن گاه از من می‌خواهند آنان را طرد کنم تا از ستمکاران باشم."

سپس این گونه ادامه داد.

" و الذی فلق الحبة و برء النسمة لقد سمعت محمداً (ص) یقول: لیضربنکم و الله علی الدین عوداً، كما ضر بتموهم علیه بدواً"؛ ۶۹: قسم به آن که دانه را شکافت و آدمی را آفرید از محمد(ص) شنیدم که می‌فرمود: هر آینه ایرانیان به خدا سوگند شما را با شمشیر خواهند زد، که به اسلام باز گردید آن گونه که شما در آغاز آن ها را به اسلام دعوت کردید."

در این جا امیرمؤمنان نه تنها از ایرانیان دفاع میکند، بلکه آنان را از حافظان اسلام دانسته، که روزی به خاطر بازگرداندن عربها به اسلام با آنها درگیر خواهند شد و در این کار خود موفق خواهند بود؛ یعنی تجدد اسلام از طریق ایرانیان است .

( که ممکن است اشاره به انقلاب اسلامی باشد.)

امام علی(ع) ملاک احترام به ایرانیان را تلاش آنها به خاطر خدا و پاسداری از اسلام ذکر کرده است .

ب: رفتار سیاسی و اقتصادی با ایرانیان

امیر مؤمنان نه تنها از جهت اجتماعی با ایرانیان به خوبی رفتار می‌کرد و از حقوق اجتماعی آنها دفاع می‌نمود، بلکه از جهت اقتصادی و سیاسی نیز به آنها عنایت داشت. یکی از اشکالاتی که به حضرت داشتند، درباره شیوه تقسیم عادلانه بیت المال بود. آنان معتقد بودند که باید بین عرب و غیر عرب، با سابقه و بی سابقه در اسلام تفاوت قایل بود و سهم بیشتری از بیت المال به اشراف و بزرگان قریش داد. اما امیرالمؤمنین (ع) همه را در برابر بیت المال مساوی می‌دانست، چه مسلمان عرب و چه عجم. زمانی که عده‌ای از زیاده خواهان از کوفه فرار کرده و به معاویه پیوستند، عده‌ای از یاران علی (ع) به عنوان خیرخواهی و جلوگیری از فرار افراد به شام نزد حضرت آمده و گفتند: در دادن اموال، اشراف عرب و قریش را بر موالی (ایرانیان) و عجم مقدم بدان، که حضرت به آنان پاسخ داد: "آیا از من می‌خواهید که حمایت را به ستم به دست آورم... اگر مال از آن من بود آن را به طور مساوی تقسیم می‌کردم و حال آن که این مال خداست ۷۰".

یعنی همه در برابر بیت المال از سهم مساوی برخوردارند. باید توجه داشت، سهمیه‌ای که از بیت المال به افراد، داده می‌شد، برای این بود که همه هنگام جهاد و دفاع موظف به حضور در جبهه بودند و با آنچه که برای کارمندان يك اداره داده می‌شود، تفاوت داشت. این گزارش نشان می‌دهد که بیشترین حساسیت در تقسیم عادلانه بیت المال در بهره مندی ایرانیان و مسلمانان غیر عرب متمرکز بوده است و مردم قریش خود را برتر از دیگران در این سهم بری می‌دانستند.

در این جا به موارد دیگری از رفتار علوی با ایرانیان در مسائل اقتصادی و سیاسی اشاره می‌شود :

## 1. تساوی در سهم بیت المال

امیرالمؤمنین (ع) در آغاز خلافت بر تساوی افراد در استفاده از بیت المال تأکید داشت ۷۱ و در اولین خطبه‌ی خود هنگام ورود به کوفه این نظر خود را رسماً در جمع مردم اعلام کرد و فرمود :

" یا اهل الکوفه فإنّ لکم فی الإسلام فضلاً مألماً تبدلوا و تغیروا دَعَوْتُکُمْ إلی الحقِّ فَأَجَبْتُمْ و بَدَأْتُمْ بِالمنکر فغیرْتُمْ ألاً إِنْ فضلکم فیما بینکم و بین الله فامّا فی الأحکام و القسّم فأنتم أسوةٌ من رجا بکم و دخل فیما دخلتم فیہ"؛ ۷۲

ای مردم کوفه به درستی که برای شما در اسلام فضلی است تا زمانی که تبدیل نشوید و تغییر نکنید. شما را به حق خواندم، اجابت کردید. منکر در میان شما آغاز شد پس تغییر دادید. آگاه باشید که فضل شما در میان شما و خداست، اما در احکام شرع و تقسیم بیت المال شما مساوی هستید با کسانی که به شما امید دارند و در آنچه شما داخل شده‌اید داخل شده‌اند (تازه مسلمان ها مانند شما سهم مساوی دارند.)

سیاست تساوی در تقسیم بیت المال که از سوی امام علی(ع) اعلام شد، هم در مدینه و هم در کوفه عکس العمل هایی را به دنبال داشت. در شهر مدینه افزون بر طلحه و زبیر و دیگر همراهان آنها در جنگ جمل، همانند عقیل ۷۳ برادر علی و سهل بن حنیف ۷۴ یاور آن حضرت را شگفت زده و به اعتراض وادار کرد. در کوفه که ایرانیان مسلمان حضور داشتند، موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرد. دو زن، یکی عرب و دیگری از موالی که برای دریافت سهمیه بیت المال نزد علی(ع) آمدند، حضرت مقداری درهم و طعام آن دو را به طور مساوی پرداخت. زنی که عرب بود لب به اعتراض گشود، که من زنی از عرب هستم و این از عجم، چگونه سهم یکسان به ما می‌دهی؟ امیرمؤمنان در پاسخ وی فرمود :

" انّی و الله لا أجد لبنی اسماعیل فی هذا الفیء فضلاً علی بنی اسحاق"؛ ۷۵ به خدا سوگند من برای فرزندان اسماعیل(عرب) در این مال برتری بر فرزندان اسحاق (غیر عرب) نمی‌بینم.

زن مسلمان عرب برتری خود را بر زن ایرانی و غیر عرب، مسلم و پذیرفته شده تلقی کرده و این گونه به خلیفه‌ی مسلمین اعتراض می‌کند. در مدینه اعتراض به اصل تساوی بود و در اینجا تساوی بین عرب مسلم و غیر عرب مطرح بود .

## 2. رفق و عدالت در دریافت خراج

سخت‌گیری در دریافت خراج و مالیات از کارهایی است که حاکمان جور انجام می‌دادند. حاکمان محلی نیز چون برای اقلیت ها شخصیتی قائل نبودند، سختگیری های شدیدی داشته و به آنها بی احترامی می‌کردند و گاهی برای دریافت خراج آنها را به باد کتک می‌گرفتند. تعبیر "باغ و خراج" در فارسی حکایت از برخورد منفی است که خراج دهندگان داشته‌اند. شیوه‌ی دریافت خراج از ایرانیان، که توسط امیرالمؤمنین (ع) بنیان نهاده شد، حکایت از آن دارد که ایشان با دیدی انسانی به اقلیت ها می‌نگریسته و نسبت به دریافت خراج نه تنها سختگیر نبود، بلکه بسیار آسان گیر و خوش برخورد بوده است. حکایتی را مورخان و اهل حدیث از

مردی ثقفی نقل کرده‌اند، که میگوید: علی(ع) مرا بر عکبر گمارد که خراج آنجا را دریافت کنم. در آن زمان مردم سواد (اطراف کوفه) عراق غیر مسلمان بودند. آن حضرت در جمع مردم به من گفت:

"استوف منهم خراجهم و لایجدوا منك رخصة و لایجدوا فيك ضعفاً؛" خراج آنان را به طور کامل دریافت کن از تو اجازه‌ای نگیرند و در تو ضعفی نبینند.

آن گاه افزود: "هنگام ظهر نزد من بیا." من نزد امیرالمؤمنین (ع) رفتم او حاجب و دربان‌ی نداشت. به من فرمود: "من در آنجا (جمع مردم) نمی‌توانستم غیر آنچه گفتم بگویم؛ زیرا آنان مردمی حيله گر هستند. اکنون شیوه‌ی دریافت خراج را به تو می‌گویم، اگر برخلاف آن عمل کنی تو را عزل خواهم کرد."

"لا تبغین لهم رزقاً یا کلوته و لا کسوة شتاء و لاصیف و لاتضرین رجلاً منهم سوطاً فی طلب درهم و لاتبعین لهم دابةً یعملون علیها فإن لم تؤمر بذلك إنا أمرنا أن نأخذ منهم العفو؛" ۷۶ روزی را که می‌خورند از آنها بر مگزين و نه هم لباس تابستان و نه زمستان آنها را و نه مردی از آنان را به خاطر درهمی بزن و نه هم حیوانی را که با آن کار می‌کنند بفروش؛ زیرا ما به چنین کارهایی فرمان داده نشده‌ایم، بلکه به ما امر شده که از آنان زیادتی را بگیریم.

به حضرت عرض کردم: در این صورت همان گونه که رفته‌ام باز می‌گردم و چیزی دریافت نخواهم کرد، که آن حضرت فرمود: "اگر چه تو چنین انجام دهی."

این دستور نشانه‌ی رفق و مدارا با خراج دهندگان است که ایرانیان بودند. امام(ع) در دستوری دیگر که در نهج البلاغه آمده، توصیه‌های لازم را به مأموران خراج می‌نماید و آنان را از بغی و تجاوز نهی می‌کند و دستوراتی مشابه آنچه ذکر شد به آنها داده و از دست درازی به اموال مردم؛ چه مسلمان و چه معاهد باز می‌دارد. ۷۷ در دستورالعملی که به ابوزید یزید انصاری پدر مصعب داده، مقدار خراج را مشخص می‌کند که از آن تجاوز ننماید ۷۸ و در نامه‌ای به حذیفه بن یمان کارگزار مداین -که ساکنان آن ایرانی بودند -وی را از هرگونه تغییر در مقدار خراج برحذر می‌دارد، ۷۹ زیاد بن ابیه کارگزار فارس را از هرگونه زور و ستم در دریافت خراج نهی می‌نماید و اثرات سوء زورگویی و ستم را برمی‌شمارد، که این‌ها همه حکایت از برخورد مهربانانه‌ی حضرت با اهل خراج دارد.

### 3. مدارا در دریافت جزیه

جزیه، مالیات‌هایی بود که از اهل کتاب گرفته می‌شد. خراج، مالیات زمین و جزیه مالیات بر افراد بود. یعنی هر مرد بالغ، عاقل و توانا می‌بایستی مالیاتی به حکومت اسلامی بپردازند. این مالیات فقط از اهل کتاب؛ یعنی کسانی که دین آسمانی داشتند دریافت می‌شد. از آنجا که اکثر ایرانیان دین مجوسی داشتند، این بحث مطرح بود، که آیا مجوس جزو اهل کتابند یا آنان از کفار حربی و ادیانی غیر آسمانی می‌باشند؟ علی(ع) جزو کسانی است که مجوس را ملحق به اهل کتاب دانسته و از آنان جزیه می‌گرفته و فقهای شیعه و سنی برابر با فتوا و نظر علی(ع) عمل می‌کردند. در یکی از روزها که حضرت بالای منبر بود و می‌فرمود: "سلونی قبل أن تقیدونی؛" پیش از آن که مرا از دست دهید از من بپرسید؟ اشعث بن قیس کندی حرکت کرد و گفت: چگونه از مجوس جزیه گرفته می‌شود، در حالی که کتابی ندارند و پیامبری به سوی آنان اعزام نشده است. امام علی(ع) فرمود: "اری ای اشعث، خداوند بر آنان کتابی نازل کرده و برای آنان پیامبری فرستاده است" و در این باره توضیح دادند که پادشاه فاسد آنها دینشان را تحریف کرده است. ۸۰

اکثریت جزیه پردازان عراق مجوس بودند، گرچه به نظر می‌رسد که اقلیت‌هایی از یهود و نصارا در این منطقه نیز حضور داشتند، اما امام علی(ع) همان گونه که در دریافت خراج از ایرانیان سخت‌گیری نمی‌کرد، در دریافت جزیه نیز سخت‌گیری نمی‌گرفت، بلکه روشی برخلاف گذشتگان از خلفاء داشت و بر جزیه پردازان آسان می‌گرفت. سیره و رفتار حضرت نشان می‌دهد، شیوه‌هایی که در هنگام دریافت جزیه در کتاب‌های فقهی آمده، دقیق و برابر با روش علی(ع) نیست. امیرمؤمنان در دستورالعملی، مقدار جزیه دریافتی را برابر توانایی افراد این گونه تعیین کرد: "به من دستور داد که بر دهقان‌هایی که سوار استر شده و انگشتر طلا به دست می‌کنند 48 درهم قرار دهم و بر متوسطین و تجار 24 درهم و فقیران آنها 12 درهم جزیه قرار دهم". ۸۱

برابر آنچه مرسوم بود و تعیین کرده بودند، پرداخت جزیه به صورت نقد بوده است، ولی علی(ع) در این دریافت با اهل کتاب مدارا می‌کرد و به جای دریافت پول نقد از کسانی که صاحب حرفه بودند، جنس دریافت می‌کرد و آن را بین مردم تقسیم می‌نمود. نوشته‌اند: "علی(ع) جزیه را از هر صاحب صنعتی از صنعت وی دریافت می‌کرد. از صاحبان سوزن سوزن، از صاحبان جوالدوز جوالدوز و از صاحبان ریسمان ریسمان، آن گاه نمایندگان قبائل را می‌خواست و به آنها طلا و نقره (دینار و درهم) می‌داد که تقسیم کنند، پس می‌فرمود: این (اجناس) را بگیرد و تقسیم کنید. آنان می‌گفتند: ما نیازی به آن نداریم. می‌فرمود: خوب‌ها را گرفته و بدها را رها کرده‌اید، باید آن را بپذیرید". ۸۲

سیره حضرت حکایت از مهربانی و مدارا با اهل کتاب و مردم ایرانی غیر مسلمان دارد، که بیشتر در منطقه عراق و ایران حضور داشتند.

### 4. تلاش برای عمران و آبادی

حکومت‌ها همیشه سعی می‌کنند تا اقلیت‌ها را در ضعف نگه دارند و آنان را در جهت عمران و آبادانی منطقه‌ی تحت تصرفشان یاری نمی‌کنند تا همیشه به حکومت نیازمند باشند. امام علی(ع) در سیره‌ی حکومتی خویش نفع عموم مردم را در نظر می‌گرفت

و تلاش می‌کرد تا وضع مردم بهبود یابد و بنیهِ اقتصادی آنها تقویت گردد، از این رو، در عهدنامه‌ی مالک اشتر به وی توصیه می‌کند که باید بیشترین تلاش را در جهت عمران و آبادانی داشته باشی، نه گرفتن خراج .  
" و لیکن نظرك فی عمارة الأرض أبلغ من نظرك فی استجلاب الخراج"؛ باید نظر و اندیشه‌ی تو بیشتر به آبادانی زمین باشد تا به گردآوری خراج .

درست است که خراج پردازان را غیر مسلمان هستند، اما آبادانی زمین نیز، هم بر درآمد خراج می‌افزاید و هم بنیهِ اقتصادی خراج پردازان را تقویت می‌کند، از این رو، دستور می‌دهد اگر در مواردی خواستند سرزمینی را اصلاح کنند تو به آنها کمک نما.  
" و إن سألوا معونةً علی اصلاح ما یقدرون علیه بأموالهم فأکفهم مؤتته فإن فی عاقبة کفایتک إیاهم صلاحاً"؛  
اگر از تو کمکی خواستند برای اصلاح آنچه به مال خود بر آن قادرند، به آنها کمک نما، زیرا این در تأمین نیاز آنها، عاقبت خوبی دارد. با توجه به سیاست کلی که داشت، زمانی که مردم به آن حضرت مراجعه می‌کنند که به آنان کمک شود تا با احیای نهري در آبادانی و عمران منطقه‌ی خود بکوشند، نامه‌ای به کارگزار خود قرطه بن کعب نوشته و او را به کمک به مردم غیر مسلمان برای آبادانی منطقه‌ی شان توصیه می‌کند .

" فإن رجلاً من أهل الذمة من عملك ذكروا نهراً فی أرضهم قد عفی و اذفن و فیہ لهم عمارة علی المسلمین فانظر أنت و هم ثم و أصلح النهر فلتعمري لئن يعمرُوا أحبُّ إلینا من أن یخرجوا و أن یعجزوا أو یقصرُوا فی واجبٍ من صلاح البلاد"؛  
همانا مردانی از زمین حوزه‌ی مأموریت تو، نهري را در زمین خود نام بردند که بی اثر شده و زیر خاک رفته است و مسلمانان برای ایشان عهده دار احیای آن هستند، پس تو و ایشان بنگرید، پس نهري را احیا کن، به جانم سوگند که اگر آباد و توانا شوند نزد ما محبوب‌تر است تا بیرون روند و یا این که در مسأله ضروری اصلاح سرزمین‌ها ناتوان باشند.  
از این نامه به خوبی پیدا است که منطقه‌ی مورد بحث مربوط به اقلیت‌ها و اهل ذمه است، که جمعیت آنها را ایرانیان غیر مسلمان تشکیل می‌دادند و این نگاه دیدگاه آن حضرت را نسبت به وضعیت رفاهی غیر مسلمانان نشان می‌دهد .

## 5. پاسخ به شکایت ایرانیان

رفتار نیک و پسندیده‌ی امیرالمؤمنین (ع) با ایرانیان و غیر مسلمان‌ها باعث امیدواری آنها شد. استقیال مردم از حضرت در کوفه، دیدار با حضرت برای احیای نهري، هدیه‌های دهقان‌ها به حضرت در ایام خاص، رجوع به حضرت برای حل مشکل خود، اسلام آوردن برخی دهقانان و بزرگان ایرانی در زمان خلافت حضرت، همه حکایت از رفتار پسندیده و جالب امام علی(ع) دارد. از آنجا که مردم امید به رحمت و مهربانی خلیفه‌ی مسلمین داشتند با این که غیر مسلمان بودند، اما این جرأت را پیدا کردند که از حاکمان خود به امیرالمؤمنین (ع) شکایت کنند. امیرمؤمنان (ع) به شکایت آنها ترتیب اثر داده و کارگزار خود را به رأفت با آنان تشویق نموده است . نمونه روشن آن نامه ۱۹ نهج البلاغه است .

شاکیان، دهقانان ایرانی هستند که از سخت‌گیری حاکم خود عمرو بن سلمه ارجحی به حضرت شکایت می‌کنند. امام علی(ع) نیز طی نامه‌ای وی را به خوشرفتاری با مردم ذکر شده دعوت نموده و در عین حال به نکته‌ای اشاره می‌کند، که چون غیر مسلمان هستند نباید در مسائل سیاسی دخالت داشته باشند.

" اما بعد، دهقانان شهر تو شکایت دارند که با آنان درشتی می‌کنی و سختی روا می‌داری. ستمشان می‌ورزی و خردشان می‌شماری . من در کارشان نگریم چون مشرکند نتوانشان به خود نزدیک گرداند ، و چون در پناه اسلامند نشاید آنان را راند، پس در کار آنان درشتی و نرمی را به هم آمیز گاه مهربان باش و گاه تیز ، زمانی نزدیکشان آور و زمانی در دور۸۵".  
در عین این که ستم بر آن‌ها روا نیست، مقرب قرار دادن آن‌ها در دستگاه سیاسی نیز جایز نخواهد بود. در نتیجه، باید با آن‌ها مهربانانه برخورد کرد. علی (ع) ماهویه فرماندهی ایرانی را که مسلمان نشده بود، مسؤول خراج در منطقه مرو قرار داد. این‌ها همه نمونه‌هایی از برخورد مشتاقانه‌ی حضرت با ایرانیان بود، که می‌توان به عنوان الگو از آن بهره برد.

## نتیجه :

1. برخورد امام علی (ع) با ایرانیان از آن جهت دارای موارد زیادی است که مرکز خلافت کوفه بوده است؛ منطقه‌ای که ایرانیان در آن ساکن بودند. عدالت امام علی (ع) با مردم غیر مسلمان، به ویژه ایرانیان، آنان را به عدل اسلامی و علوی امیدوار ساخت.
2. دیدگاه امام درباره‌ی گرفتن خراج از زمینهای فتح شده در زمان خلیفه دوم و جلوگیری از تقسیم زمینها و کشاورزان، نقش مهمی در جلوگیری از بروز فاجعه‌ی انسانی بهره برداری و اسارت مردم ایران و دیگر ملل غیر مسلمان داشت. این نظر مورد قبول قرار گرفت و تاکنون به بعد انسانی آن کمتر توجه شده است.
3. شرکت دادن امام علی (ع) در مشورت‌های سیاسی مهم از سال بیست هجری به بعد به طور جدی آغاز شد و از این سال به بعد یاران خاص حضرت وارد مسائل سیاسی شده و در دستگاه خلافت مسؤولیت پذیرفتند، که به طور حتم این کار با هماهنگی آن حضرت بوده است.
4. دفاع امام علی (ع) از ایرانیان کشته شده، مانند هرمزان براساس موازین اسلامی بود، که خون مسلمان محترم است و کسی حق تعرض به مال و جان آنها را ندارد، گر چه تازه مسلمان شده باشد، زیرا هرمزان مسلمان شده بود .
5. علی (ع) در دوران خلافت خویش با اندیشه‌ی برتری عرب در کسب امتیازات اقتصادی مخالفت کرد و تفاوتی در سهمیه‌ی بیت المال بین مسلمانان عرب و غیر عرب قائل نبود. در مهمانی‌های ایرانیان شرکت می‌کرد و هدیه‌های آنان را برابر شرایطی می‌

پذیرفت.

6. برخورد نیک با ایرانیان ویژه‌ی مسلمانان نبود، بلکه با ایرانیان غیرمسلمان نیز برخوردی عادلانه داشت و نسبت به آن‌ها مهربان بود و در گرفتن خراج و جزیه سخت نمی‌گرفت و دستور میداد تا رعایت حال آنان را بنمایند.

7. امام علی (ع) نه تنها در دریافت خراج مدارا می‌کرد، بلکه تلاش می‌کرد تا بنیه‌ی اقتصادی ایرانیان تقویت شده و جامعه از فقر و فلاکت نجات یابد و بنیه اقتصادی مردم تقویت گردد.

8. آن حضرت ایرانیان غیر مسلمان را به حضور می‌پذیرفت و با عموم آن‌ها دیدار می‌کرد، به پیشنهادات آنان توجه می‌کرد و شکایات آنان را بررسی می‌نمود و آنان را از کارهای ذلت آور باز می‌داشت.

9. برخلاف آنچه در کتاب‌های فقهی به هنگام دریافت جزیه آمده، حضرت قائل به احترام به جزیه پردازان بود. به آن‌ها سخت نمی‌گرفت و در حد امکان به جای پول نقد از آنان جنس دریافت می‌کرد.

10. رفتار مهربانانه حضرت با ایرانیان، زمینه را برای اسلام آوردن آنان فراهم ساخت. برخی در دوران خلافت حضرت اسلام آوردند و برخی بعداً مسلمان شدند. به طور کلی، ایرانیان نظر مثبتی نسبت به اهل بیت پیدا کردند و در قیام‌هایی که در جهت دفاع از اهل بیت بود شرکت کردند. مانند قیام مختار که حتی حضور آنان در قیام و نهضت ابومسلم خراسانی به خاطر داعیه‌ی وی در حمایت از خاندان پیامبر بود و در دراز مدت هم تشیع و پیروی از امام علی (ع) را پذیرفتند.

### پی‌نوشت‌ها :

- 38 همان، ج ۵، ص ۱۳۱.
- 39 همان، ج ۶، ص ۱۸۴.
- 40 تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ج ۳، ص ۲۰۲، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت؛ فتوح البلدان، ص ۴۳۶.
- 41 تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، ص ۱۷۵، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- 42 فتوح البلدان، ص ۴۳۶، ۴۳۵.
- 43 تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی ع، جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سمی، ص ۱۶۹، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- 44 الاموال، ص ۸۶.
- 45 همان، ص ۸۸.
- 46 الدرجات الرفیعه، سید علی خان مدنی، ص ۲۱۵، مکتبه بصیرتی، قم.
- 47 دینوری ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص 168.
- 48 نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۱۴۶؛ الفتوح، ابن اعثم، تحقیق مجد، ص ۲۳۳، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۸، دار صادر، بیروت؛ تاریخ طبری ۸ جلدی، ج ۳، ص ۲۰۵؛ الارشاد، مفید، ج ۱، ص ۹-۲۰۷، مؤسسه آل بیت، قم؛ بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۵۳.
- 49 طبقات الکبری، ابن سعد، ج ۳، ص ۲۵۵ با تلخیص، دار احیاء التراث العربی.
- 50 اخبار الطوال، ص 166.
- 51 کتاب الخراج، یحیی بن آدم، ص ۶۰.
- 52 شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۶۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- 53 نهج البلاغه، خطبه 15.
- 54 اخبار الطوال، ص ۲۱۰.
- 55 نهج السعاده، ج ۱، ص ۴۶۷.
- 56 پیکار صفین، ترجمه وقعه صفین نصرین مزاحم، مترجم پرویز اتابکی، ص ۳۰، مؤسسه آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- 57 نهج البلاغه، نامه ۴۵.
- 58 شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۲۴۸.
- 59 بحارالأنوار، ج ۴۱، ص ۱۱۸.
- 60 همان.
- 61 پیکار صفین، ص ۲۰۰.
- 62 نهج السعاده، ج ۱، ص ۴۱۱، کلام ۱۲۶، دارالفضا من، بیروت.
- 63 ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، ج ۴۲، ص ۴۷۸، دارالفکر، بیروت.
- 64 نهج البلاغه، فیض حکمت، ص ۲۶.
- 65 پیکار صفین، ص ۱۵-۱۳.
- 66 ذاکری علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (ع)، ج ۲، ص ۴۴؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۵۵.



- 67 بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۱۶۰ .
- 68 ثقفی، الغارات، ص ۳۴۰؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۲۵ و ج ۲۰، ص ۲۸۵.
- 69 سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳، چاپ سنگی؛ شرح نهج البلاغه؟ ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۴؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۸ و ج ۳۴، ص ۳۱۹.
- 70 بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۸؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۸۳؛ سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المؤمنین، ج ۱، ص ۷۴.
- 71 بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۱۸ .
- 72 نهج السعاده، ج ۱، ص ۴۶۳ .
- 73 بحارالانوار، ج ۴۱، ص 131 .
- 74 همان، ج ۳۲، ص ۱۸ .
- 75 همان، ج ۴۱، ص ۱۳۷ .
- 76 نهج السعاده، ج ۱، ص ۶۳۷؛ کنز العمال، ج ۴، ص ۵۰۱؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۸ .
- 77 نهج البلاغه، نامه ۵۱ .
- 78 فتوح البلدان، ص ۲۷۱؛ من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ۳، ص ۲۶؛ دار صعب، بيروت.
- 79 ذاکری علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المؤمنین (ع)، ج ۱، ص ۲۵۰ .
- 80 منهاج البراعه، میرزا حبيب الله خوئی، ج ۷، ص ۱۸۰ .
- 81 من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۶ .
- 82 کنز العمال، ج 4، ص ۵۰۰۱ .
- 83 مدیریت و سیاست، ص ۱۰۶ .
- 84 سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المؤمنین، ج ۱، ص ۲۶۳ .
- 85 همان، ص ۴۹۱ .